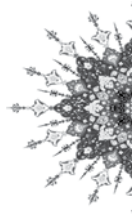


چند سروده از میرزا شفیق در کتبخانه دولتی برلین



■ سید آرمان حسینی آباریکی *

چکیده

بسیاری از سروده‌های شاعران گُرد در کتابخانه‌های مختلف، اعم از داخل و خارج کشور نگهداری می‌شود؛ در کتابخانه دولتی برلین نیز، جنگی به شماره HS.OR.9878 وجود دارد که در آن چند سروده میرزا شفیق کلیایی - شاعر گُرد زبان سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم هجری - آمده است. از آن جایی که تاکنون این جنگ معرفی نشده، نگارنده بر آن شد ضمن معرفی این جنگ و مطالبی پیرامون احوال و آثار میرزا شفیق، سروده‌های او را در این جنگ خطی تصحیح نماید تا گامی در جهت گردآوری مجموع اشعار او برداشته شود.

واژگان کلیدی:

نسخه خطی، میرزا شفیق، کتابخانه دولتی برلین، جنگ.

فصلنامه اختصاصی

اسناد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

۱۲۰

* بایسته است از زحمات بی‌دریغ برادر فرزانه و دانشور خود، جناب آقای عبدالله حبیبی که در تصحیح این سروده‌ها نکات و دقایق ارزنده‌ای یادآور شدند و در تصحیح نهایی یاری‌گر نگارنده بوده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم.
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (Arman.hosseini@yahoo.com)

مقدمه:

میرزا شفیع به سال ۱۱۶۹ ق در ده «مامیزک» از توابع «سنقر و گلیایی» به دنیا آمد. برخی از پژوهشگران نام پدر وی را «ملا گل محمد» (نک: از بیستون تادالاهو، ۱۳۷) و برخی دیگر «احمد» ذکر کرده‌اند. میرزا شفیع مردی فاضل و در دستگاه خسروخان اول - از سلسله ولات کردستان - دارای سمت استیفا بوده است؛ او ضمن اشعار مناجاتی، عبرت‌انگیز و عرفانی، مدایحی نیز برای خسرو خان والی سروده است. (حدیقه سلطانی، ۳۴۷/۸)

در تاریخ ادبیات کرد از چند میرزا شفیع سخن رفته است؛ از جمله میرزا شفیع پناه‌ای که برخی از سروده‌های او در دیوان میرزا شفیع کلیایی نیز آمده است. (نک: شاعران کرد پارس‌گوی، ۴۵۲) شایان ذکر است که سید محمد طاهر هاشمی - از پژوهشگران نامی کرد - بر آن است که «در میان مردم پناه اشخاصی به نام ملا شفیع یا میرزا شفیع وجود داشته‌اند، اما شاعر نبوده‌اند. نکته دیگر این که در جنگ‌های قدیمی از میرزا شفیع پناه‌ای ذکری به میان نیامده و شفیع شاعر کرد، همان شفیعی است که مستوفی دیوان خسرو خان اول و از مردم کلیایی بوده است». (حدیقه سلطانی، ۳۴۸/۸)

شاعر در سروده‌هایش «شفیع» تخلص می‌کرده و با الماس خان کندوله‌ای - شاعر حماسه‌سرای کرد - هم‌عصر بوده و مشاعره‌هایی نیز با او داشته است. علاوه بر منظومه نوفل و مجنون از آثار او می‌توان به «نوش آفرین و شاهزاده ابراهیم»، «زادالمعاد»، «یاران دلگیر»، «شمال و زلان»، «درخت‌نامه» و «دیوان اشعار» اشاره کرد؛ کتاب «بدیع الملک و بدیع الجمال» نیز به او منسوب است.^۱ (از بیستون تادالاهو، ۱۳۷)

تاکنون دیوان اشعار میرزا شفیع به صورت مستقل گردآوری و تصحیح نشده است؛ پیش از این، آقای محمدعلی سلطانی ۱۷ بند (= سروده؛ واحدی برای شعر گورانی در قالب مثنوی) از اشعار او را با سربندهای «میرزام زام حی»، «مرواریم امشو»، «نگای جامم کرد»، «نباتن شیرین»، «میرزام تواران»، «زلیخا اژدر»، «شیرین سارا کرد»، «زلیخا واران»، «قبلم هونریزن»، «دادم چه دست لیل»، «چراخم به دست»، «یاران صفابخش»، «الله لامکان»، «تاک توانا»، «نو نامیون»، «و لال نمبو» و «درویشیمان» به طبع رسانده است. (حدیقه سلطانی، ۳۴۷/۸-۳۹۵) محمدعلی قره‌داغی چند کَشکول و جنگ کردی در اقلیم کردستان چاپ کرده است که در آن‌ها اشعاری از میرزا شفیع به چشم می‌خورد؛ از جمله بندهایی

۱. برای آشنایی بیشتر با احوال و آثار میرزا شفیع ر.ک: حسینی آبریک، سید آرمان و سعید مهدوی‌فر. «روایتی دیگر از داستان نوفل و مجنون (بر پایه نوفل‌نامه کردی گورانی از میرزا شفیع)»، مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین: سال سوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۲ش، صص ۶۸-۷۱.

چون «دانای خوش کلام»، «پری سامیون»، «شمال و یاران» و «باد واده وشت» (که شکولی که له‌پووری نه‌ده‌بی کوردی، ۱۱۸/۵-۱۲۲) و نیز بندهای «له سه رنگ نبو»، «شفیع دنیای دون»، «شیرین شوخ و شنگ»، «یاران بی پاره»، «میرزام حی» و «یک رو بیمار بیم». (که شکولی که له‌پووری نه‌ده‌بی کوردی، ۲۰۷/۸-۲۱۶) امین گجری هم ضمن معرفی اجمالی میرزا شفیع، بندهای «صرافان دور»، «الله اکبر»، «فرهاد منشورن» و «میرزام جختسن» را آورده است. (از بیستون تادالاهو، ۱۳۶-۱۴۸)

نگارنده نیز در این جستار بر آن است تا چند سروده او را - که در جنگ خطی محفوظ در کتابخانه دولتی برلین آمده - معرفی و تصحیح نماید.

معرفی جنگ شماره HS.OR.9878

بسیاری از نسخه‌های خطی گردی در کتابخانه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شوند. در کتابخانه برلین نسخه‌های خطی فراوانی به زبان گردی موجود است که نیمی از آن‌ها دیوان و نیمی دیگر منظومه‌های دینی، غنایی، جنگ‌ها و... هستند. برخی از این آثار قبلاً به صورت ذوقی - و بدون تصحیح علمی و انتقادی - چاپ شده‌اند، اما بیشتر آن‌ها تاکنون تصحیح نشده‌اند و ضروری می‌نماید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرند. («نسخه‌های نویافته از شاعران گرد در کتابخانه برلین»، ۲۳۹)

در کتابخانه دولتی برلین جنگی به شماره HS.OR.9878 نگهداری می‌شود که چند سروده از میرزا شفیع نیز در آن کتابت شده است. این نسخه عاری از هرگونه آرایش و خط آن نستعلیق است. دارای ۹۹ برگ و در هر برگ ۱۵-۱۷ بیت در سه ستون مورب کتابت شده است. در برخی از صفحات ابیاتی ریزتر از خط اصلی نوشته شده که اغلب ناخواناست. در این جنگ، اشعاری به گردی و فارسی از معدومی، فقه حسن بانه، احمدبیگ کوماسی، شیخ نعمت‌الله متخلص به نوازی، محمدعیسی بیگ، پاشا، میرزا شفیع، یوسف بیگ، شهاب، شیخ عطار، شیخ سعدی، فریدون، طاهر، میرزا صادق و مولانا خالد آمده است. از میرزا شفیع شش بند در این جنگ دیده می‌شود: ۱. درویشیمانن؛ ۲. میرزام نه شاران؛ ۳. میرزام زام حی؛ ۴. اری بی وفا؛ ۵. عزیزم فرهاد؛ ۶. فلک بار درد.

لازم به ذکر است دوست دانشورم، عبدالله حبیبی که پژوهشگر نسخ خطی گردی است، نسخه‌ای دیگر از میرزا شفیع در اختیار نگارنده قرار داد که سه بند «اری بی وفا؛ عزیزم فرهاد؛ فلک بار درد» در آن هم آمده است؛ بنابراین برای تصحیح این بندها از این نسخه نیز استفاده خواهد شد. این نسخه که در اصل متعلق به استاد محمدرشید امینی است، جنگی است با ۱۷۲ صفحه، خط آن نستعلیق تحریری و در هر صفحه آن حدود ده بیت کتابت شده است. مجموعه یاد شده در سال ۱۲۸۲ هجری کتابت شده و کاتب خود را «لطف‌اله» معرفی کرده است. در این جستار، از این جنگ با علامت اختصاری (م.ا) یاد می‌شود.

قطعه «درویشیمانن»:

محمدعلی سلطانی در کتاب خود ذیل این بند، عبارت «مشکوک» را مرقوم نموده است (حدیقه سلطانی، ۳۹۳۸)؛ بدون تردید این جنگ می‌تواند سندی دیگر برای انتساب این سروده به میرزا شفیع باشد. لازم به ذکر است که بند «درویشیمانن» در جنگ یادشده ۳۹ بیت و در کتاب حدیقه سلطانی ۳۳ بیت دارد؛ و دیگر این که در ضبط، برخی از ابیات جنگ برلین بر نسخه استاد سلطانی ارجحیت دارد.

درویشیمانن	میرزام اثاثه ^۲ درویشیمانن
کسی نواچو جه و شیمانن	جه تابشت درد دلریشیمانن
ایرادم گردن بشون به شاران	[تاسق] ^۳ بوازون جه تکیه داران
الله دوست بکم جه لای درویشان ^۴	احسان کن پیمان کسوت ویشان
تاج درویشی، خرقة اطاعت جام	چهل کلید، سنگ قناعت
مهره و مهربند، حلقه زنا رکیش	چل بند خیرون ^۵ درویشان پیش
لونگ شل دستمال، رشته شاخ نفیر	بند شیر قلاب، کمر بند زنجیر
عصای بادام چو، خرخالان ^۶ قول	جبه بقیه دوز، کلپوس کشکول
پاتاوه پایچ واجبه درویش	گیوه مار نگز جور بیدی کیش
بپوشان جه داخ سردی زمانه	قمری نه فرقم بگیرو لانه
وی دام و دستگاه، وی اساسوه	وی درخت خاص پوس پاسوه
شاخ نفیر و دوش، دست و عصاوه	چار گوشه جهان بدم و پاوه
همت طلب کم جه آغه ^۷ قمر	هفت سال چون یکرو واز نکم کمر
بغداد و حلب، مکه و مصر و شام	تخت اسلامپول تا بیت الحرام
طایفه یمن، بدخش [و] بلغار	بلوچ اقلیم [و] اصل فرنگ شار
شهر زنگ آباد ملک بی قیاس	مکان میمون جزیره ناس ناس
ترسا و حبشی، زنگی آدم خوار	جزیره واقواق ^۸ کس نبرده چار

۲. در اصل نسخه: اساسه.

۳. در اصل نسخه: تاسف. «تاسق» (= تاسوق) معنای آرزومندی می‌دهد.

۴. در اصل نسخه: دوریشان.

۵. می‌توان آن را قیاسی «خیرومن» (= پر خیر و نیکو) تصحیح کرد. در کتاب حدیقه سلطانی (ص ۳۹۵)، مصراع دوم چنین آمده است: «چل بندی و جوزدان درویشان پیش».

۶. «خرخال» (= بازو بند).

۷. آغه (= آقا).

۸. واقواق نام دو جزیره است؛ یکی واقواق جنوب یا واقواق آفریقایی و دیگری واقواق شرقی یا واقواق چین که در مشرق این کشور واقع است. وجه تسمیه این جزایر را به سبب وجود درخت عجیب واق (= درختی که صباح، بهار و شام خزان کند و گویند ثمر و بار آن به صورت آدمی و حیوانات دیگر باشد) در آن‌ها دانسته‌اند. ر.ک: حواشی برهان قاطع، ذیل «واق».

شهرین بحرین دریای مسکنان
جزیر جزیران دریای رود نیل
تا جَبَل [کبیر]، جبلانِ چُول
جَوَلائی سر ملتان^۹ کشمیرِ کابل
راگه بیابان بگیرو نَوْر
شرط بو من جه داخ رنگ زردی وطن
بویرون جه دشت دیو دوال پا
هر هفت قله قاف هرده به هرده
بیدی گلیم گوش نه دشت هیهات
در بند یا جوج بسته سکندر
هفت سال هفت اقلیم طی بگم به جخت
سر پنجم ریش بو به نیش خاران
نه شو آرام [و] نه رو باکم بو
نه هر زمیننی مَل ویرده بو
اسیر کوی البرز جی سَر و جوسر
تا مجمع البحرین اوان ببا جم
بزانون خفتن یا خو بیدازن
ماسای بیهوش بام، سر هُورداشتن
چشمش کور بین، یا جه پالنگن
پی چیش او نه دَور من نمودارو
آر به حقیقت جه من بیزارن^{۱۰}
«شفیع» راگه ترک سرگرتن و پیش

یک لنگ سگسار تا شاری ژنان
جنگل جنگلان مسکنان فیل
ماوای کرگدن^۹ بیابان چول
سرکیشم نه چاه هاروتِ بابل
رو بگم به چین، ماچینِ خاور
صدای نفیرم برز بو نه ختن^{۱۱}
سرکیشم نه توی خیمه ین شا
مکان دیوان قهرمان برده
سنور^{۱۲} مابین روشنی ظلمات
مکان معدن یاقوت احمر
مدارام نبو به وخت [و] بی وخت^{۱۳}
شو یلغار درون چنی ستاران
تکه زوخ زام ویم خوراکم بو
کسی به ولات نامش برده بو
بر و دریابار، گش و کوه گمر
مگر فرستم بوینون به چم
ز تل خانه کام شهریارن؟!
کام عارف احسان نه دورش کاشتن
مر نمزانو من وقتم تنگن؟!
کسی هوشش بون، به بی هوش دارو
منیچ جو بیزار هر تا دیازن^{۱۴}
مبو بگیلو پی فرشته ویش

ج

۹. در اصل نسخه: کرگه‌دنگ.

۱۰. در اصل نسخه: سر ملطان؛ ملتان یا مولتان شهری است میان قندهار و لاهور.

۱۱. در اصل نسخه: خوطن.

۱۲. ستور (= مرز).

۱۳. در اصل نسخه: جه وقت و بی وقت. قافیه «جخت» با «وخت» صحیح است.

۱۴. در اصل، مصراع چنین آمده است: ار او بحقیقت جه من بیزارند.

۱۵. در اصل نسخه: دیارند.

قطعه «میرزام نه شاران»:

میرزام نه شاران
فرقه دیم نه پول سیمین عذاران
رعنای مهوشان دل فارغ جه غم
خاو خاو خرامان چوپی مکیشان
وینه مدبر ماس نوای تیپ جیر^{۱۶}
صد تحسین جه کلک مانی سبجانی
جه کو پروردن سیا مارانش؟!
وقتی و انداز نه جا مخیزا
کلاوش نه دور زینت نبی کچ
گل عرق نه جای جهان نمای بی گرد
مپیکا و بان لیموان کال
شیم نه بحر فکر ناپیدای خیال
نزانام شیرین کام گلستانن
هر یند [م] زانا لعلش نسفتن
یا حق بیاونیش به وایه [و] مراد
فیروزه، عقیق خال آلاش^{۱۹} بو

قطعه «میرزام زام حی»:

این بند در جنگ برلین ناقص آمده است؛ اما در کتاب حدیقه سلطانی (۳۵۰-۳۵۱) در ۱۸ بیت و نیز در جنگ هموند به کوشش محمدعلی قره داغی (۲۱۲-۲۱۳) در ۱۴ بیت آمده است.

کس نین چون من زده زام حی
بیخ ریشه نخل عمرم کردن طی
دمای شهریور جه انگامه دی
آورد و خیال سیر باخچه بی

میرزام زام حی
تیپ^{۲۱} حی چون تیپ هفت لشکر ری
سالی حی نه حکم سرنوشت حی
دله کوس لکوس کفته وی به وی

...و

۱۶. در فرهنگ لغات معنای این واژه به دست نیامد. به گفته آقای عبدالله حبیبی، «مدبر ماس» نوعی لباس و یا گونه‌ای پارچه بوده است.

۱۷. «موج» دگر واژه‌ای از «معوج» به معنی «کج» است.

۱۸. «سول» (= سرو).

۱۹. «آلا» دگر واژه‌ای از «اعلی» است.

۲۰. «بژن» (= قد، قامت، بالا).

۲۱. در اصل نسخه: طیپ.

قطعه «آری بی وفا»:

آری بی وفا
 آری ستمکار بی رحم و مرّوت
 آری تیرانداز ترکمان دستور
 آری هی جلّاد گیان [و] جسته من
 آری نزان حال درد کاری من
 من چیشم کردن به سرگردت بام
 تا کی وینه قیس ویل بون نه هردان^{۲۲}
 تا کی چون ققنس درون زخال بون
 تا کی جه دوریت غلطان خاک بون
 تا کی کیزه جِرج بشنون و گوش
 تا کی شاد ببو به گردم شمال
 هوناوان وازن جه پام مویرو
 تو خو حال نزان ننداری خبر
 مل و مور و مار تمام خاص و عام
 آلا مگر تو هیچ رحمت نین
 آخر نزانون تقصیرم چیشم
 کی چون من بی تو خلطانن نه هون
 [کی چون من پی تو ویلن نه هردان
 کی چون من آهش و گوش میاوا
 کی چون من زامدار درد جفای تون
 کی چون من بقدای بژن بالای تون
 کی چون من جِرجش صدپاره بین
 حیفن پری تو اینه کارت بو
 نکریش دلشاد به وصل بالات

آری بی بینت بی شرط و وفا
 آری عزیزم نازار باوت
 آری حق نناس جه رای خدا دور
 آری نمک پاش زام خسته من
 آری هی بی باک تو جه زاری من
 آری بی مروت لیلی جمین جام
 تا کی بون پریت مات سرگردان
 تا کی دیوانه بیزار جه مال بون
 تا کی جه داغت دیده نمناک بون
 تا کی چون کوره زرگر بدو جوش
 تا کی جه دوریت بیون به زخال
 سنگ سیای سخت پی من مگرو
 چه ماتجرایم ویردن به سر
 زاری مکران پی بخت سیام
 دلت جه آهن سخت تر بین
 بی طوره جه من خاطررت ریشم
 کی چون من پی تو بین و معنون
 کی چون من پی تو بین سرگردان^{۲۳}
 کی چون من هونش زمین شکاوا
 کی چون من سرگرد خال آلائی تون^{۲۴}
 کی چون من سرگرد آما و لوای تون
 کی چون من آویز قناره بین
 غلامی چون من گرفتارت بو^{۲۵}
 نیاوو به کام خالان آلات^{۲۶}

۲۲. با توجه به نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: کاوان.

۲۳. این بیت در نسخه برلین نیامده است.

۲۴. متن از نسخه م. ۱؛ اصل نسخه: آما و لوای تون.

۲۵. در نسخه م. ۱ قافیه بیت چنین آمده است: کارتین/ گرفتارتین.

۲۶. مصراع دوم از نسخه م. ۱ انتخاب شده است؛ در اصل: بالای نونمام تمام آلات.

با جتی^{۲۷} او کس توش تصویر کردن
ثوابن^{۲۹} پریت شای وفاداران
[مواچان لیلی بیوفا بین
امیدم ایدن خال فلفل دانه
قطعه «عزیزم فرهاد»:]

عزیزم فرهاد
واتم نه سایهت بنیشون و شاد
ویم گرد به مجنون توم زانا و لیل
مترسام جه حرف بدواز^{۳۱} بدگو
تو پی وفای ویت سوگندت مورد
حرف رای غرض مسموعم نین
مین جه رای اخلاص خاطر کردم جم
آخر بدکاران و صد ویانه^{۳۳}
تو صادق القول، آوان فضول بین
نه رای کدورت داشان ستیزه
به حیلله شرط ویت شکاونا
ایسه دل جه دست حرف^{۳۵} طانه تال
صد تفرقه^{۳۶} حکم نامه دلالت
تیدا بنویسو دوهزار سوگند
اینه مشهورن جه عالم پندن^{۳۸}

رنج برده تو بیم، بتر جه فرهاد
و حرف بدان رنجم دای و باد
مایه عمرم گرد نه رای تو طفیل
روی ازل صد جار حالیم کرد به تو^{۳۲}
او ذات بی چون تاک تنیای فرد
هرچه مواچان مطبوعم نین
صد خاطر جمعیم یاونا به هم
میر^{۳۴} توشان کرد جه مین بیگانه
حرف افواشان جه لات قبول بین
مینای میر دل گردی به ریزه
چون بی چیشیت گرد و کوت یاونا
چون یوم الممات مرده هزار سال
بکیانی پریم پی استمالت
دل بین سیا نمبو خرسند^{۳۷}
نصیحتیون جه دنیا^{۳۹} مدن:

۲۷. «با جتی» مخفف «به حاجتی» است.

۲۸. «آوات» (= آرزو).

۲۹. در نسخه م. ا: صوابن.

۳۰. این بیت در اصل نسخه نیامده است.

۳۱. بدواز (= بدخواه).

۳۲. مصراع دوم در نسخه م. ا: چنین آمده است: روی دو صد جار خیالم کرد تو.

۳۳. ویانه (= بهانه).

۳۴. میر (= مهر)؛ در گردی معمولاً «ه» در میانه واژه به صورت «یای مجهول» تلفظ می‌شود. در نسخه م. ا: میل.

۳۵. واژه از نسخه م. ا: انتخاب شده؛ در اصل نسخه: خوف.

۳۶. در نسخه م. ا: ملفوفه.

۳۷. بیت از نسخه م. ا: است؛ در اصل نسخه: تیدا نویسیبیت بختانه سوگند/ دل بین سیا مبو نور پسند؟

۳۸. با توجه به نسخه م. ا: در اصل نسخه «مدن» به عنوان قافیه در هر دو مصراع آمده که صحیح نیست.

۳۹. در نسخه م. ا: دانا.

«زو»^{۴۰} میو علاج بیمار خسته
 تو خاصت نکرد من رنج و باد بیم
 هر ایدش خاصن زمانه ناحال^{۴۲}
 گردین و یکسان جه لاش ویردن
 هر تو سلامت شوخ دیده مست
 «شفیع» بد نکرد بی و غلامت
قطعه «فلک بار درد»:

نمبو^{۴۱} پیوند شیشه شکسته»
 نه تو وفات کرد نه من دلشاد بیم
 های وشی های جور های لذیذ های تال
 دمای کس هرگز کسی نمردن^{۴۳}
 مویارو مدار به هر حالی^{۴۴} هست
 صد لعنت جه شرط نیمه تمامت

فلک بار درد
 وهار دا نه طبل زمستان ویرد
 مر پیت نیاوان دود آه من
 شین شونالین نامرادی من
 کزه [زوخ]^{۴۵} جرگ نادیاری من
 مر من جه امت مصطفی سوام^{۴۶}
 [من پیکول نه رای رسول نشندم
 «هست آیین دو بینی ز هوس
 کار نامشروع ناما جه دستم
 جاژ یا صنم نکیشام نه شار
 نکردم کفران نایره عیسی
 بار نار و نفت نمرود نپاشام
 ناقه صالحم و سرقت نبرد
 شرم رشته هون ناما و دامان
 چنی قوم لوط می نوشیم نکرد

تا کی بکیشون جفای بار درد
 تا کی جور درد رنگم کرو زرد
 هناسان سرد سحرگاه من
 کزه کوره دل دور جه شادی من
 لوله استخوان درد کاری من
 چون سکه تبریز قلب ناروام
 پی آدام ندام گواهی کندم^{۴۷}
 قبله عشق یکی باشد و بس^{۴۸}
 پی قتل قابل کمر نبستم
 زکریام نکشت به مودای مشار
 خطاکار نبیم وینه برصیصا^{۴۹}
 منجنیق پی مرگ خلیل نتاشام^{۵۰}
 بناکاری برج فرعونم نکرد
 فراتم نبست نه رای ایمان^{۵۱}
 پی قتل حسین سرکوشیم نکرد

فصلنامه اختصاصی

آسناد و
 نسخه‌های خطی
 مناطق گردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

۴۰. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: یاد.
 ۴۱. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: نیرو.
 ۴۲. در اصل نسخه: ناهاال.
 ۴۳. این بیت در نسخه م. ۱ نیامده است.
 ۴۴. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: حال.
 ۴۵. «زوخ» تصحیح قیاسی است؛ در اصل نسخه: دوزخ.
 ۴۶. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: ردام.
 ۴۷. بیت از نسخه م. ۱ است؛ در نسخه برلین این بیت نیامده است.
 ۴۸. این بیت فارسی از کتاب سبحةالابرار جامی است و در نسخه م. ۱ نیامده.
 ۴۹. مصراع دوم از نسخه م. ۱ است؛ در نسخه اصلی: خطا به خود دیم به وینه موسی.
 ۵۰. بیت از نسخه م. ۱ است؛ در نسخه اصلی: بار من نفت و نار نمرود پوشا/ منجنیق پی مرگ خلیل مپاشا.
 ۵۱. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: امامان.

رای کعبم نگرت نه رای حاجیان
 فلک من پیرو دین نبی بیم
 حق ویش گواهن نمک‌شناس بیم
 آر سزاوارم عتابم تا کی
 زانات من قبلم ناخاص دینم
 با رحمت بیو و جستۀ حالم
 به حاجتی نور شای خیرالبشر^{۵۲}
 [تاکی جور درد بدو آزارم
 نامم «شفیعن» صد شرمسارم]^{۵۳}
 تیغ ندام نه فرق فرقه ناجیان
 چند سال نه پی دین من مکتبی بیم
 حکاک معروف خاص خواص بیم
 آر مسلمانم عذابم تا کی
 پی چی مسازیم پی چی مشکینم!
 نالم لیت ویرد تا کی بنالم!
 بیخشم به شرم شفیع محشر

سخن آخر:

هم‌چنان که از نظر گذشت، دیوان میرزا شفیع تاکنون به زیور چاپ آراسته نشده است؛ تنها پژوهشگرانی چون محمدعلی سلطانی، محمدعلی قره‌داغی و امین گجری در آثار خود سروده‌هایی از میرزا شفیع به دست داده‌اند. بخشی از اشعار این شاعر در تذکره‌ها و جنگ‌ها ضبط شده و شایسته است مصححان و محققان آن‌ها را معرفی و تصحیح کنند تا گامی چند برای گردآوری و تصحیح نهایی دیوان او برداشته شود. نگارنده نیز با توجه به این موضوع، در این جستار کوشید شش بند از سروده‌های او که در جنگ شعری در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود، معرفی و تصحیح نماید.

۵۲. از نسخه م. ۱؛ در اصل نسخه: خیرالایثر.
 ۵۳. بیت از نسخه م. ۱ است؛ در نسخه اصلی این بیت نیامده.

منابع و مأخذ

- ۱) جنگ اشعار (کردی - فارسی)، آلمان: کتابخانه دولتی برلین، شماره ۹۸۷۸.
- ۲) جنگ اشعار کردی، پاره: آرشیو محمدرشید امینی، کاتب: لطف‌اله، تاریخ کتابت: ۱۲۸۲.
- ۳) حسینی آباریکی، سید آرمان. «نسخه‌های نویافته از شاعران کرد در کتابخانه برلین». دو فصلنامه بساتین: سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش، صص ۲۳۹-۲۶۰.
- ۴) حسینی آباریکی، سید آرمان و مهدوی‌فر، سعید. «روایتی دیگر از داستان نوفل و مجنون (بر پایه نوفل‌نامه کردی گورانی از میرزا شفیع)»، مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین: سال سوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۲ ش، صص ۶۵-۹۸.
- ۵) حیرت سجادی، سید عبدالحمید. شاعران کرد پارسی-گوری، تهران: نشر احسان، ۱۳۷۵ ش.
- ۶) خلف تبریزی، محمدحسین. برهان قاطع، به اهتمام: محمد معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱ ش.
- ۷) سلطانی، محمدعلی. حدیقه سلطانی (احوال و آثار شاعران برجسته کرد و کردی-سرایان باختران از عهد تیموری تا عصر حاضر)، تهران: سها، ۱۳۸۴ ش.
- ۸) قهره‌داغی، محمدمهد علی. که‌شکۆلی که‌له‌پووری نه‌ده‌بی کوردی: به‌رگی پینجه‌م، هه‌ولتیر: ناراس، ۲۰۰۲ م.
- ۹) _____ که‌شکۆلی که‌له‌پووری نه‌ده‌بی کوردی: به‌رگی چه‌وته‌م، هه‌ولتیر: ناراس، ۲۰۱۱ م.
- ۱۰) گجری، امین. از بیستون تا دالاهو. تهران: نشر مه، ۱۳۷۸ ش.

فصلنامه اختصاصی

اسناد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

Several Poems of Mirza Shafi in the Berlin's State Library

Seyed Arman Hoseini Ab-Bariki

Abstract

Much of the poetry of Kurdish poets are kept in different libraries, either inside or outside the country. In the Berlin's State Library, there is an anthology with the HS.OR.9878 issue in which there lies some poetic works of Mirza Shafi Klyayy, a Kurdish poet of the late twelfth and early thirteenth century.

Since the anthology has not been introduced, the author introduces this anthology, describes the life and works of Mirza Shafi; in addition to this, he revises the collections of poems in this manuscript in order to take a step towards gathering all the poems of the poet.

Keywords:

Manuscript, Mirza Shafi, Berlin's State Library, Anthology

۱۳۱

فصلنامه اختصاصی

آسناد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴



فصلنامه اختصاصی

آستاد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

۱۳۲



فصلنامه اختصاصی

اسناد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

۱۳۴

تصاویر چند صفحه از سروده‌های میرزا شفیع در جنگِ برلین به شمارهٔ HS.OR.9878

نرسد و ام
 بنوام عالم
 فغان و کارش در عالم
 چو بنام خداوندان عالم
 با او جان و سر زینت
 بیاد او جان و سر زینت
 آینه در پیشگاه او
 زینت در پیشگاه او
 چون اسب سفید در راه
 ذوق بودیت در راه
 در این دنیا نشسته
 در این دنیا نشسته
 خرابی فضل او در این عالم
 خرابی فضل او در این عالم
 خدای شوق ذوق نامرودت بام
 دل پر به حسرت تمام شادینت بام
 دل که سوگواری گفته هر دور
 آمو و خیال میرانجه با



فصلنامه اختصاصی

اسناد و
نسخه‌های خطی
مناطق کردنشین

سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۴

۱۳۶

